

کلیسای ایرانیان مسیحی سن دیه گو و ال کاهون

کتاب مقدس، دانیال نبی

درس شماره ۲۳

فصل ۳: ۱-۷

آیه حفظی برای ۲۷ ماه جون سال ۲۰۲۴

کتاب مقدس، رومیان ۱: ۲۱

زیرا هر چند خدا را شناختند، ولی او را چون خدا تمجید و شکر نکردند بلکه در خیالات خود باطل گردیده، دل بی فهم ایشان تاریک گشت.

آیه حفظی برای ۱۱ ماه جولای سال ۲۰۲۴

کتاب مقدس، امثال سلیمان ۱۶: ۱۸

۱۸ تکبر پیش رو هلاکت است، و دل مغرور پیش رو خرابی.

قرائت کلام: لطفاً کتابهای مقدستان را به بخش دانیال نبی باز بفرمائید، و فصل ۳: ۱-۷ را

بخوانید.

۱ نَبُوکَدْنَصَّرَ پادشاه تمثالی از طلا که ارتفاعش شصت ذراع و عرضش شش ذراع بود ساخت و آن

را در همواری دُورا در ولایت بابل نصب کرد.

۲ و نَبُوکَدْنَصَّرَ پادشاه فرستاد که اَمْرًا و روسا و والیان و داوران و خزانهداران و مُشیران و

وکیلان و جمیع سروران ولایتها را جمع کنند تا به جهت تبرک تمثالی که نَبُوکَدْنَصَّرَ پادشاه نصب نموده

بود بیایند.

۳ پس اَمْرًا و روسا و والیان و داوران و خزانهداران و مُشیران و وکیلان و جمیع سروران ولایتها

به جهت تبرک تمثالی که نَبُوکَدْنَصَّرَ پادشاه نصب نموده بود جمع شده، پیش تمثالی که نَبُوکَدْنَصَّرَ نصب

کرده بود ایستادند.

۴ و مُنادی به آواز بلند ندا کرده، می گفت: «ای قومها و امتها و زبانها برای شما حکم است؛

۵ که چون آواز گَرِنَا و سُرِنَا و عود و بربط و سنتور و کمانچه و هر قسم آلات موسیقی را بشنوید، آنگاه به رو افتاده، تمثال طلا را که نَبُوکَدْنَصَّر پادشاه نصب کرده است سجده نمایید.

۶ و هر که به رو نیفتد و سجده ننماید در همان ساعت در میان تون آتش ملتهب افکنده خواهد شد.»

۷ لهذا چون همه قومها آواز گَرِنَا و سُرِنَا و عود و بربط و سنتور و هر قسم آلات موسیقی را شنیدند، همه قومها و امتها و زبانها به رو افتاده، تمثال طلا را که نَبُوکَدْنَصَّر پادشاه نصب کرده بود سجده نمودند.

دعا: دعای داشته باشیم برای درک درست کلام خدا و اطاعت درست بر اساس آن درک درست.

مقدمه: از جلسه گذشته شروع کردیم به مطالعه فصل سوم کتاب دانیال نبی. برای مرور مطالب لطفاً به درس گذشته رجوع کنید.

نکته جالب در مورد این مجسمه طلایی نبوکد نصر این است که ارتفاع آن ۶۰ ذراع (یعنی حدود ۳۰ متر) عرضش ۶ ذراع (حدود ۳ متر) و در آیات بعدی خواهیم دید که ۶ آلت موسیقی برای پرستش آن مجسمه بکار رفته اند. یعنی عدد شش در این فصل در ارتباط با این مجسمه سه بار تکرار شده است. و در ضمن، اینگونه مجسمه ها در آن ایام بر روی یک پایه مکعب ای قرار می داشت. یعنی وقتی عرضش ۶ ذراع بوده، طول پایه هم ۶ ذراع می بوده است.

یعنی اندازه های خود مجسمه بدون در نظر گرفتن آلات موسیقی ۶ در ۶ در ۶ می باشد، که اگر آنرا با مکاشفه فصل ۱۳: ۱۸ مقایسه کنید، عدد ضد مسیح یا دجال است: ۶۶۶. که در مکاشفه ۱۳، معاون ضد مسیح یا دجال که نبی کاذب نام دارد مجسمه ای از ضد مسیح ساخته در معبد بازساخته شده اورشلیم قرار داده و همه مردمان را مجبور به پرستش آن مجسمه و خود ضد مسیح می کند. و شماره ای بر همه مردمان می گذارد تا آنان را شناسای کرده و آن شماره ۶۶۶ است. و بدون آن شماره هیچ کسی، هیچ خرید و فروشی نمی تواند بکند.

شماره ۶۶۶، از سه عدد ۶ تشکیل شده و هر کدام به شیطان، ضد مسیح، و نبی کاذب اشاره می کنند. عدد ۷ نشانه کاملیت است که برای خدای راستین در کتاب مقدس بکار رفته است. عدد شش نزدیک به

هفت است ولی کم می آورد. یعنی شیطان همیشه می خواسته است که خود را جای خدا، جا بزند و مورد پرستش قرار گیرد ولی همیشه کم آورده و می آورد. شیطان در واقع یک نوع تثلیث نامقدس از این طریق ایجاد می کند: خودش، ضد مسیح، و نبی کاذب که بصورت عدد ۶۶۶ نماینگر می شود. عملی که نبوکد نصر می کند و مردم را به پرستش مجسمه خودش مجبور می کند به ماهیت عمل نبی کاذب و ضد مسیح در آینده اشاره می کند.

و از قرار معلوم، نبوکد نصر حدس می زده که ممکن است عده ای از فرمانش سرپیچی کنند، بنابراین در کنار مجسمه طلایی بزرگش، یک تنور آتش هم می سازد تا نامطیعان را در آن بیاندازد و کسی جرانت سرکشی نداشته باشد.

کسی که چندی قبل اعتراف کرده بود که خدای دانیال خدای راستین است، حالا به چنین وضعیت اسفناک روحانی سقوط کرده است. چون بر طبق مثل برزگر مسیح در کلام ریشه نداشت. من و شما هم اگر در ایمانمان به خداوند عیسی مسیح در کلام خدا ریشه نداشتیم، سقوط خواهیم کرد. البته ذره ذره، یک درجه یک درجه. این نحوه کار شیطان است تا متوجه سیر انحطاط خودمان نشویم. ولی ناگهان می بینیم که ۱۸۰ درجه از خداوند عیسی مسیح و کلام و کلیسایش دور افتاده ایم. آیا شما در کلام خدا ریشه دارید؟

اول ما در این فصل مراسمی را که نبوکد نصر ترتیب داده بود را می بینیم در آیات ۱ الی ۳:

دو تا آیه قبل نبوکد نصر اعتراف می کند که خدای دانیال خدای راستین است. ولی حالا ۲ تا آیه بعد مجسمه خودش را ساخته و می خواهد همه آنرا پرستش کنند. نبوکد نصر قدرت عظیم خدای کتاب مقدس را در مکشوف کردن خوابش به دانیال و در تعبیر آن خواب دید، ولی حتی تجربه کردن قدرت خدا مانع از این نشد تا غرورش بر او غالب آید و بت خودش را درست کند. و این دقیقاً مشکل بسیاری در زمانه ماست. قدرت خداوند عیسی مسیح را در زندگی شان می بینند، از محبت کلیسای مسیح استفاده می کنند، ولی غرورشان چنان بر زندگی شان کنترل دارد که باز به مسیح و کلام و کلیسای او پشت می کنند و می روند بدنبال بت های که خودشان ساخته اند. مشکل بسیاری که بطرف مسیح و کلیسای او نمی آیند این است که حاضر نیستند خود را در حضور مسیح فروتن کنند، مانند نبوکد نصر.

مانند نبوکد نصر می روند و مجسمه طلایی خود را ساخته و آنرا پرستش می کنند. خود پرستی بزرگترین دین جهان است. از عقاید و افکار خودشان، از فرهنگ و گذشته خودشان بت درست می کنند

مانند نبوکد نصر و شروع به پرستش خود می کنند بجای آنکه به پای خداوند عیسی مسیح افتاده و او را پرستش کنند.

نبوکد نصر مجسمه طلایی عظیمی در دشت پهناور "دورا" که در ۶ مایلی جنوب شرقی شهر بابل، در کشور عراق امروزی دارد، نصب می کند. حدود ۴۵ سال پیش، یک باستان شناس فرانسوی به نام جولیس اوپرت، Jules Oppert در همان دشت دورا، در کشور عراق، در طی حفاری هایش، باقیمانده یک پایه آجری بزرگ مکعبی شکل را، با اندازه های که کتاب دانیال ۳ می گوید، پیدا می کند. اوپرت نتیجه می گیرد که این پایه می بایستی یک مجسمه بزرگی را نگه می داشته است. بعد از مطالعات بیشتر، بدین نتیجه می رسد که این پایه می بایستی پایه مجسمه نبوکد نصر در دانیال فصل سوم باشد. بعد از قرنها او توانسته بود آنرا از زیر خاک پیدا کند. چه بر سر خود مجسمه آمده است؟ آن مجسمه از طلا می بود، و مطمئناً کسانی بعد ها در آن منطقه به قدرت رسیدند، آن طلاها را برای خودشان برداشتند.

نبوکد نصر این مجسمه طلا را به سه دلیل در دشت "دورا" نصب می کند. یک، برای سوگند وفاداری خوردن مقامات امپراطورش به او، بعد از کودتا.

دوم، نبوکد نصر می خواست از طریق پرستش آن بت، یک نوع اتحاد بین اقوام مختلفی که تحت حکومتش بودند، بوجود آورد. و البته این نوع عملکرد در طول تاریخ انجام شده است. بوده اند رهبران و پیغمبران کاذب و شیطانی که برای بوجود آوردن نوعی اتحاد بین قبایل مختلف سرزمینشان، بتهای دیگر را از بین برده، حتی لقب بت شکن برای خودشان بدست آورده اند، و سپس یک بت را، به عنوان خدای اعظمشان قرار داده، تا همگی یک بت را پرستش کنند.

سوم، غرور نبوکد نصر باعث شد که بخواهد این مجسمه طلا را به عنوان تمثالی از خودش نصب کند. بعد از آنکه در فصل دوم، دانیال به نبوکد نصر اعلام کرد که آن سر طلا خود نبوکد نصر است، غرور او را در برگرفت، و نبوکد نصر تصمیم می گیرد که یک مجسمه تمام طلا از خودش ساخته و مورد پرستش قرار گیرد. و این باعث سقوطش در فصل ۴ می شود.

کلام خدا در امثال سلیمان ۱۶: ۱۸ می فرماید: **۱۸ تکبر پیش رو هلاکت است، و دل مغرور پیش رو خرابی.** یکی از خصوصیات رهبران، پیغمبران، و معلمین کاذب تکبر و غرورشان است. و خداوند عیسی مسیح در مورد اینگونه افراد در متی ۷: ۱۵ هشدار می دهد: **۱۵ اما از انبیای کذب احتراز کنید، که به لباس میشها نزد شما می آیند ولی در باطن، گرگان درنده می باشند.**